

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

همان طور که عرض کردم بحث خود حج را از میقات انشاءالله شروع می‌کنیم. بنده با این ترتیبی که در کتب فقها و همین طور در مجامع روایی ما هست خیلی موافق نیستم که اول آمده‌اند حج را به واجب و مستحب و نذری و و قضا و ... و بعد وارد خود اصل حج و اجزاء حج شدند، به نظر من بسیاری از این مطالبی که در همین مباحث مطرح است در خود حج خواهد آمد؛ یعنی وقتی که انسان نسبت به خود حج و اجزاء و خصوصیات آن وارد بحث می‌شود طبعاً بسیاری از این مسائل در ضمن ادله و روایات و احادیث می‌آید دیگر اول مطرح کردن و بعد دوباره به آنها رسیدن خیال می‌کنم یک مقداری لقمه را دور سر چرخاندن است.

من به نظرم رسید که ابتدائاً خود حج فی حد نفسه و اقسام آن حالا حج قران و افراد یا تمتع و عمره مفرده و عمره تمتع و اجزاء آن و خصوصیات

آن مطرح بشود وقتی که از این قضیه فارغ شدیم و تمام شد حالا آن موقع صحبت می‌شود که حج نیابی چیست؟ یا حج میقاتی به چه می‌گویند؟ یا فرض کنید که حج مندوب چیست؟ حج قضا چیست؟ یا فرض کنید که اگر شخصی بر ذمه او حج داشته باشد یا نداشته باشد بخواهد نیابت کند این چه شرایطی دارد؟ حالا کسی که بر ذمه او حج است می‌تواند نیابتاً انجام بدهد یا نه؟ اینها مباحثی است که بعد از خود اصل حج و خصوصیات آن برای انسان حاصل می‌شود مثل این که قبل از این خود اصل نماز را ما بیاییم تعریف کنیم حالا بیاییم بگوییم که نماز قضا فرض کنید که چیست آیا نماز قضا را مقدم بر ادا می‌شود کرد یا نه خود اصل نماز را طرف نمی‌داند چیست حالا یک دفعه از قبلش بیاید اول خود نماز باید تعریف شود اجزای آن تعریف شود ارکان و واجبات و مستحبات آن وقتی که متوجه شدیم آن وقت می‌گوییم این نماز یا قصر است در سفر یا اتمام است در حضر، این صلاة در وقت باشد می‌شود ادا در خارج وقت باشد می‌شود قضا در قضا آیا مقدم بر ادا هست یا متأخر از ادا هست؟ و همین طور نسبت

به همان روز باشد یا در غیر از آن روز قضا باشد آیا در سفر باید مانند حضر قضا کرد یا این که در سفر قضا هم قصر می‌شود و اقص مافات و امثال ذلک اینها همه متأخر بر اصل نماز است وقتی که شما نمی‌دانید نماز چیست اوله التکبیر و آخره التسلیم دیگر بحث کردن راجع به اینها خیال می‌کنم قدری معجل باشد.

بنابراین ما برنامه و طریق بحثی را غیر از طریق متداول در موسوعه‌های حج، مثل تقریرات یا مجامع احادیث قرار دادیم، اینها ابتداءً آمده‌اند راجع به خصوصیات و موارد مختلفی صحبت کرده‌اند که خارج از مباحث حج است و بعد در اصل بحث وارد شده‌اند، ما ابتدا وارد خود حج و خود اجزای حج می‌شویم که ابتدای آن میقات است و بعد هم سایر موارد، وقتی که از همه این مباحث فارغ شدیم آن موقع دیگر به موارد جزئی می‌پردازیم.

میقات عبارت است از آن محلی که رسول خدا برای انعقاد احرام و اهللال تعیین کردند که خب برای اهل عراق میقات ایشان میقات وادی عقیق است و

برای شام میقات قرن المنازل است و برای اهالی یمن
یلملم است و برای اهل مدینه مسجد شجره و
ذوالحلیفه است و میقات اهل غرب و شمال غربی
هم که جحفه است، این مواقیتی است که رسول خدا
اینها را تعیین کردند و نسبت آنها به جده مختلف
هست، و دارای به اصطلاح طول و عرض مساوی
نیستند هر کدام نسبت به اهالی و لذا در این زمینه
روایاتی داریم و روایات همه تقریبا به یک قسم
مسائل را بیان کردند و مطالب را می‌فرمایند منتهی
خود بنده روایات را تقسیم کردم به دو یا سه دسته و
آن چه که فعلا در میقات برای ما مهم است آن مسئله
- می‌خواهم این حشو و زوائد و اینها را حذف کنم
آن چیزی که بیشتر لازم است آن را بیشتر روی آن
مانور بدهیم نه این که مثلا فرض کنید که حالا میقات
دو متر جلوتر و عقب تر کهن که لازم نیست - آن
عبارت است از احرام از محاذات، این بحث خیلی
مهمی است همان طوری که قبلا خدمت رفقا عرض
کردیم این مسئله خیلی مهمی است و خیلی مبتلابه
است و باید ببینیم که آیا روایات ما وافی به این مسئله
هست یا این که غیر وافی است؟ بنابراین بهتر است

که ما روایاتی که در این زمینه است مروری کنیم تا این که یک مفادی از این مسئله به دست بیاید.

علتی که ما اول سراغ روایات می‌رویم طبق همان برنامه قبلی و جری بحث خودمان و سراغ مطالب و تقریرات فقها نمی‌رویم این است که در وهله اول بدانیم که از مصادر وحی چه به دست ما می‌رسد و چه ذهنیتی برای ما نسبت به این قضیه حاصل می‌شود، بعد وقتی که این ذهنیت در ما شکل گرفت آن وقت ما به این تقریرات و بیانات سایر فقها هم نظر می‌اندازیم و کیفیت ورود و خروج مطالب را از دیدگاه آنان مورد تأمل قرار می‌دهیم. پس در وهله اول باید ببینیم که نظر معصوم نسبت به این مسئله به این مهمی چیست؟ روایاتی که هست مختلف است که البته من حالا امروز یک مقداری به طور سریع این روایات را مرور می‌کنیم تا این که البته حالا برسیم یا نرسیم ولی خب فردا می‌آییم شروع می‌کنیم دسته‌بندی کردن و کیفیت مقام مخاطب و آن بیان و مراد امام علیه السلام را از اینها بیان می‌کنیم فعلا روایاتی که مربوط به اصل میقات است یکی است ابی ایوب خزاز است قال قلت لأبی عبدالله علیه السلام حدثنی عن العقیق أوقت و قته

رسول الله او شیء صنعه الناس خود مردم میقات را در آوردند یا واقعا پیغمبر میقات را اینطور فرموده است؟ شما ببینید مسئله خیلی عجیب است الان این شخصی که دارد این را نقل می کند در زمان امام صادق است، در زمان امام صادق هنوز نمی داند میقات کجاست؟! پس این مسئله، مسئله مهمی است و ما نباید با توجه به این قضیه فکر کنیم که حالا مردم این طوری هستند و بنابراین با یک استصحاب قهقرا.... در زمان امام صادق این حرفها را سوال می کردند و این مسائل را سوال می کردند پس این زمان صد و پنجاه سال بین رسول خدا و زمان امام صادق این مردم چکار می کردند؟ یعنی مطلب روشن نبوده است، در زمان صادقین این قضایا و این مطالب آمده و برای افراد روشن شده است، اینها نکات اجتهادی است یعنی دقت در این نکات است که خیلی انسان را به مطالب می رساند که متوجه شویم که آن زمان در چه حال و هوایی بودند؟ در چه حال و احوالی بودند؟ افراد و اصحاب نسبت به این موضوعات شرعیه به چه قسمی نگاه می کردند

فقال: إن رسول الله وقت لاهل المدينة ذا الحليفة و وقت لاهل المغرب الجحفة و هی عندنا مكتوبة مهیئه و وقت لاهل اليمن یلملم و وقت لاهل الطائف

قرن المنازل ووقت لاهل نجد العقیق^۱ و با این روایت فعلا شش مورد شد.

روایت دیگر روایت علی بن ابراهیم از معاویه عمار عن ابی عبداللہ علیہ السلام قال من تمام الحج و العمره ان تحرم من المواقیت التی وقتها رسول اللہ لاتجاوزها الا وانت محرم فانه وقت لاهل العراق چرا عین همین را حضرت می آیند می فرمایند بعد این را می فرماید این به اصطلاح اضافه که در این جا هست و وقت لاهل المدینه ذا الحلیفه و من کان منزله خلف هذه المواقیت مما یلی مکه فوقته منزله^۲؛ اگر کسی منزل او جلوتر باشد یعنی فرض کنید که در طریق مسجد شجره به سمت مکه این جلوتر است مثل ربه، ربه فرض کنید که در طریق مکه است با یک اختلاف یا مثل فرض کنید که سر یا که قریه ای است که مدینه است و محل خوش آب و هوایی بوده و خود ائمه هم در آن جا زراعت و اینها داشتند و در آن جا حتی بعضی از اینها آن طور که در ذهنم است به دنیا آمدند از اولاد ائمه که قطعا می دانم آن جا به دنیا آمدند خب لازم نیست از آن جا برگردد مسجد

۱- کتاب الحج، ابواب المواقیت باب ۱ حدیث ۱

۲- کتاب الحج، ابواب المواقیت باب ۱ حدیث ۲

شجره از همان منزل خودش از همان جا احرام می‌بندد یعنی کسی که منزلش نه این که کسی که خارج است، خارج من البلد نه، از مدینه، یا از اهل خود مدینه نه، آنها وقتی که می‌خواهند خارج شوند حرام است که خارج شوند بدون احرام قصد مکه را دارند خارج شوند باید از خود مسجد شجره باشد ولی برای کسانی که خود منزلشان آنجا است یا این که مهمان است فرض کنید که شخصی آمده در سریا مهمان است این دیگر لازم نیست دوباره برگردد مسجد شجره از همان به اصطلاح سریا یا از همان در طریق که در طریق مکه است می‌تواند از همان جا محرم شود روایت این طور می‌فرماید.

روایت دیگر روایت حلبی است قال ابی عبداللّه علیه السلام الاحرام من مواقیت خمسه و وقتها رسول اللّه صلی اللّه علیه وآله لاینبغی لحاج ولا معتمر این لاینبغی را به آن توجه کنید ان یحرم قبلها و لا بعدها نه قبلش می‌تواند و نه بعدش می‌تواند وقتی کسی که می‌آید باید به آن جا که می‌رسد باید احرام ببندد و وقت لاهل المدینه فلان حضرت می‌فرماید تا آخر بل و لاینبغی دوباره فرمودند لاحد

عن یرغب عن موافیت رسول الله؛ این که خودش
 برود و یک میقات تعیین کند و بگوید که من دلم
 می خواهد فرض کنید که از فلان جا محرم شوم از
 خانه دلم می خواهد محرم شوم البته بعد می آییم
 می گوئیم در صورت نذر مسئله فرق می کند بگوید
 من دلم می خواهد بیشتر محرم باشم از خود منزلم
 می خواهم محرم شوم نه این جا دلخواهی نیست باید
 از همان میقاتی که خود رسول خدا تعیین کرده است
 باید از آن جا این مسئله شکل بگیرد.

روایت دیگر روایت صدوق است از عبیدالله
 علی حلبی الی انه قال و هو مسجد الشجره ذوالحلیفه
 را حضرت هم مسجد شجره فرمودند ذوالحلیفه کان
 یصلی فیه و یفرض الحج حضرت در این جا نماز
 می خواندند و حج را از آن جا شروع می کردند فاذا
 خرج این شخص من المسجد پس وقتی که از
 مسجد خارج این کان یصلی فیه و یفرض فیه در
 پرائنز است فاذا خرج من المسجد اگر شخص از
 مسجد خارج شد و سار و استوت به البیداء حین
 یجازی المیل الاول احرم^۲ این جا در این روایت

۱- وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب الموافیت، باب ۱ حدیث ۳

۲- وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب الموافیت، باب ۱ حدیث ۴

بینید اینها که بنده می گویم باید دسته بندی کرد این است در این روایت نمی گوید حضرت از مسجد شجره محرم شوید از مسجد شجره لباس را پوشید حرکت کنید بیاید وقتی که به بیداء رسیدید آن جا صدا را به احرام تلبیه بلند کنید پس بنابراین پوشیدن لباس احرام از مسجد شجره است چون در کنار درختی بوده و آن موقع مسجد نبوده و بعد مسجد درست کردند درختی بوده آنجا را می گویند تحت الشجره بعد تحت الشجره تبدیل به مسجد شجره شده است در آن جا رسول خدا لباسها را عوض می کردند لباس و ثياب خود را درمی آورند و از آن جا لباس احرام می پوشیدند ولی محرم نمی شدند می آمدند جلوتر و آن جا احرام می بستند این حکایت از این می کند که در مسجد شجره بخصوص احرام در آن جا الزام نیست البته در بعضی از روایات دیگر داریم که حالا عرض کردم در دسته بندی اینها را می آیم عرض می کنم که این مورد خلاف و تضاد و تناقض بیاید برداشته شود فعلا این روایت می فرماید که این احرام از مسجد شجره نیست یک مقداری که خارج شود آن موقع احرام بسته می شود حالا توجیه این مسئله بماند انشاءالله برای بعد.

روایت دیگر روایت علی بن جعفر است نه این
علی بن جعفری که این جا در قم ایشان مدفون است
غیر از ایشان آن علی بن جعفر که برادر موسی بن
جعفری ایشان در سریا مدفون هستند در هشت
فرسخی مدینه و خیلی جلیل القدر بوده است و
روایات زیادی را از موسی بن جعفر ایشان نقل
می کنند قال سئله عن احرام اهل الكوفه و اهل
خراسان و ما يليهم و اهل الشام و مصر من أين هو؟
فقال: اما اهل كوفه بعد حضرت همین را دوباره بیان
می فرمایند تا می رسند به این جا و اهل السند من
البصره^۱ اهالی سند همان اهالی که به اصطلاح
افرادی که از طرف هند می آیند که سند هم می گفتند
آنها از بصره هستند نه از خود بصره میقات اهل بصره
این جا ایشان توضیح دادند ظاهرا هم همین است
دوباره روایت دیگر باز روایت صدوق نقل می کند
روایت صدوق است عن ابي عبدالله عليه السلام قال
وقَّت رسول الله فلان و تا آخر روایت همه یکی
است دیگری دوباره روایت مثل همان است روایتی
است تهذیب و قرب الاسناد است آن هم همین
روایت است معلوم می شود روایت بصره را فقط

^۱ - وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب المواقیت باب ۱ حدیث ۵

علی بن جعفر نقل کرده است چون به دو سند
مختلف ولی هر دو به علی بن جعفر می‌رسد یعنی
یک روایت در اینجا بیشتر نیست که آن چه را که من
دیدم تا آن جایی که من به اصطلاح نگاه کردم این
بوده است که بصره در آن جا هست که بعضی در
این مسئله اشتباه کردند بله دیگر فرصتی نیست.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ